

کرزی با وسوسه‌ها مقابله خواهد کرد!



بن شپرد - خبرگزاری فرانسه

وقتی حامد کرزی رئیس‌جمهوری افغانستان کاخ ریاست جمهوری را ترک می‌کند، قدرت را از دست خواهد داد، اما همچنان صاحب نفوذ خواهد بود؛ زیرا در صدد است در سال‌های بازنشستگی، نقش فعالی ایفا کند. کرزی هفته آینده از قدرت کنار می‌رود و راه را برای اولین انتقال دموکراتیک قدرت در افغانستان هموار می‌کند. انتخابات ریاست جمهوری افغانستان به معنای تازه‌یی برای این کشور پس از حاکمیت ۱۳ ساله کرزی در دوران مداخله نظامی امریکا بعد از سرنگونی رژیم طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی است.

ادامه صفحه ۶

روابط کرزی با امریکا...

در همایش فراخوان بنیاد شهید مسعود برای مشارکت چشم‌گیر در انتخابات احمدولی مسعود: آرزوی پیروزی داکتر عبدالله را دارم

داکتر عبدالله: در دولت اصلاحات و همگرایی اجندای ملی را مدنظر قرار خواهیم داد

رئیس بنیاد شهید مسعود: در جهت ادای مسوولیت‌مان در برابر خدا، وطن و ملت و بدون هیچ چشم‌داشتی، با جمع بزرگی از نخبگان سراسر افغانستان، فقط به منظور صلح، وحدت ملی، تفاهم و همگرایی از تیم اصلاحات و همگرایی حمایت کرده و برای پیروزی این تیم تلاش خواهیم کرد

صفحه ۶



اسلام‌آباد به کابل:

ناکامی‌تان را در شناخت عاملان حمله به عبدالله نکند

داکتر عبدالله عبدالله

۲۴ جوزا روز تعیین سرنوشت



شماره انتخاباتی نشان انتخاباتی



سخن ماندگار

سنگ تمام پیروزی

دیروز، طی همایشی، احمدولی مسعود، رییس بنیاد شهید مسعود با حضور صدها تن از شخصیت‌های سیاسی، نخبگان و دانشمندان و شماری از فرماندهان جهادی و دانشجویان، در ادامه حمایت‌های قبلی، از تیم اصلاحات و هم‌گرایی پشتیبانی خود را اعلام کرد. به این ترتیب، چتر حمایتی دکتر عبدالله کامل شد و می‌توان تأکید کرد که هیچ گروه، نهاد و یا شخصیت تأثیرگذاری وجود ندارد که از تیم اصلاحات و هم‌گرایی حمایت نکرده باشد.

پشتیبانی و اعلام حمایت رسمی احمدولی مسعود، به عنوان یک سیاستمدار جوان و با تجربه و به عنوان نماینده خانواده قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود و بنیان‌گذار کنفرانس آجنده ملی در افغانستان از دکتر عبدالله عبدالله، وجه سیاسی و مردمی تیم اصلاحات و هم‌گرایی را برجسته‌تر ساخته است.

البته که این‌گونه همایش‌ها و پشتیبانی‌ها، تنها یک امر تبلیغاتی نیست؛ بل که مویذ یک حمایت گسترده و مردمی هم است که در هر گونه محاسبه، پیروزی قطعی تیم اصلاحات و هم‌گرایی را نشان می‌دهد.

اکنون مسأله این است؛ آنانی که تا حالا سعی در مهندسی انتخابات کرده‌اند و رای مردم را به جای آدرس اصلی‌اش، در صندوق‌های دیگری ریخته‌اند، چه قدر ژرفای این‌گونه حمایت‌ها را درک می‌کنند؟ یا به تعبیری دیگر، مخالفان روند مردم‌سالاری، چه اندازه از این‌گونه حمایت‌های گسترده و مردمی می‌توانند قیاس کنند که هرگونه حرکت غیرقانونی آنان، با خشم مردم مواجه خواهد شد؟ حمایت‌های پیهم جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی و دسته‌های مختلف مردمی از دکتر عبدالله طی هر دو دور انتخابات، او را به شخصیت ملی و مردمی تبدیل کرده است و وقتی که تمام نهادها، شخصیت‌ها، احزاب متغذ و مردمی، تیم اصلاحات و هم‌گرایی را مناسب‌ترین تیم برای اداره حکومت آینده تشخیص می‌دهند، دیگر چنین انتخابی، یک انتخاب ساده نیست و به یقین که این تیم به سکوی پیروزی می‌رسد و هر گونه مواجهه و بدنیتی برای اخلال کردن این اراده، تاوان بسیار سنگینی را در پی خواهد داشت.

بنابراین، متولیان امور انتخابات و ارباب کار در کمیسیون‌های انتخاباتی، باید متوجه این نکته باشند که اگر غیر از آنچه را که مردم اراده کرده‌اند، در نظر داشته باشند و یا سعی در برهم زدن توازن آرای مردم کنند، با خشم مردم روبه‌رو خواهند شد!

البته که تذکر این امر، یک پیش‌بینی ساده نیست؛ بل تجربه دو دور انتخابات ریاست جمهوری را نیز در پی دارد. طوری که همه شاهدند؛ در انتخابات سال ۱۳۸۸ چنین مهندسی‌یی صورت گرفت و به اراده نیمی از مردم کشور توهین شد. یا در انتخابات دور اول امسال، با ده‌ها ترند و تکنیک غیرقانونی، توازن رای واقعی مردم را برهم زدند و در نهایت انتخابات را به دور دوم بردند.

اکنون اگر تمام این حقایق نادیده گرفته شود و با این‌همه نشانه‌ها و قراین پیروزی تیم اصلاحات و هم‌گرایی، مهندسی آرا در انتخابات صورت گیرد تا خدا ناکرده مانع به ثمر نشستن رای واقعی مردم شوند، آن‌گاه گمان برده خواهد شد که مخالفان دموکراسی و مردم، دقیقاً همان‌هایی‌اند که تلاش کردند تا رهبر تیم اصلاحات و هم‌گرایی را در یک حمله انتحاری از میان بردارند. آن‌گاه گمان برده خواهد شد که مخالفان دموکراسی، درست همان‌هایی‌اند که در هنگام پیکارهای تبلیغاتی‌شان، مردم را به خیانت و قتل و کشتار تهدید کرده بودند و در نهایت گمان برده خواهد شد که مخالفان مردم و اراده ملت، همان‌هایی‌اند که حامیان‌شان دیروز گفته بودند که اگر آنان پیروز نشوند، همه چیز را برهم خواهند زد. پس بهتر همان است که همه در کنار هم به اراده ملت و مردم خویش احترام بگذاریم.

اگر امروز تیم اصلاحات و هم‌گرایی پیروز میدان است، دیگران هم باید پنج سال و یا بیشتر از آن در عرصه سیاست فعال باشند و کار کنند، تا فردا و در انتخاباتی دیگر طعم پیروزی را بچشند، و امروز نیز یک همکار جدی، یک اپوزیسیون فعال و یک منتقد سازنده در دولت آینده باقی بمانند.

توهمات اشرف غنی احمدزی

نویسنده: جمیل صدیق

در روند انتقال مسوولیت‌ها

ولی در جریان انتقال مسوولیت‌ها افزایش تلفات به حدی بالا رفت که از میزان قابل قبول بیشتر بود و این موضوع سبب کاهش انگیزه در میان نیروهای امنیتی کشور شد.

(۲) افزایش فشار بر نیروهای امنیتی: از دیگر تبعات انتقال مسوولیت‌ها می‌توان به افزایش بیش از حد فشار بر نیروهای امنیتی کشور یاد کرد. این نیروها بدون آن‌که نسبت به گذشته در کارایی و کیفیت تجهیزات‌شان تغییری وارد شده باشد، به رویارویی با گروه‌های سازمان‌یافته ناگزیر شدند. از جانب دیگر، گسترش حوزه صلاحیت‌های نیروهای امنیتی بدون در نظر داشت امکانات آن‌ها، سبب شد که بار مضاعفی را در جریان عملیات‌ها و تأمین امنیت متقبل شوند.

(۳) افزایش ناامنی: به میزانی که روند انتقال مسوولیت‌ها در کشور شتاب گرفت، به همان میزان ناامنی‌ها نیز بیشتر شده است. جنگ دیروز گروه‌های تروریستی اگر در مناطق جنوبی و شرقی کشور متمرکز بود، امروز به مناطق شمالی و غربی هم رسیده است. عدم مهار وضعیت امنیتی می‌تواند تبعات خطرناکی داشته باشد. جنگ به میزانی که به ساحات تازه‌تر رخنه می‌کند، به همان میزان وقت، کارایی و نیرو می‌طلبد.

(۴) وضعیت ابهام‌آمیز: روند انتقال مسوولیت‌ها به وضعیت ابهام‌آمیز در کشور دامن زده است. این پرسش حالا به پرسشی کلیدی در میان شهروندان کشور تبدیل شده است که «فردا چه پیش خواهد آمد؟»

(۵) افزایش نرخ بی‌کاری: از دیگر تبعات روند انتقال مسوولیت‌ها، باید به افزایش نرخ بی‌کاری در کشور اشاره کرد. افزایش تلفات نظامیان و غیرنظامیان، گسترش ساحات ناامن و نگرانی نسبت به آینده، باعث به وجود آمدن رکود اقتصادی در کشور شده و این موضوع به رشد بی‌کاری در کشور کمک کرده است.

(۶) بی‌علاقگی جامعه جهانی: از میان مهم‌ترین دستاوردهای برنامه آقای احمدزی در عرصه انتقال مسوولیت‌ها، باید به بی‌علاقه شدن جامعه جهانی به وضعیت افغانستان اشاره کرد. افغانستان در شرایط بسیار حساسی تلاش می‌کند که از بُعد نظامی روی پای خود ایستاد شود. اما این تلاش‌ها بدون کمک و همکاری جامعه جهانی به نتیجه نمی‌رسند. آقای احمدزی با طرح برنامه انتقال مسوولیت به گونه تک‌محورانه، جامعه جهانی را نسبت به وضعیت کشور بی‌علاقه ساخت.

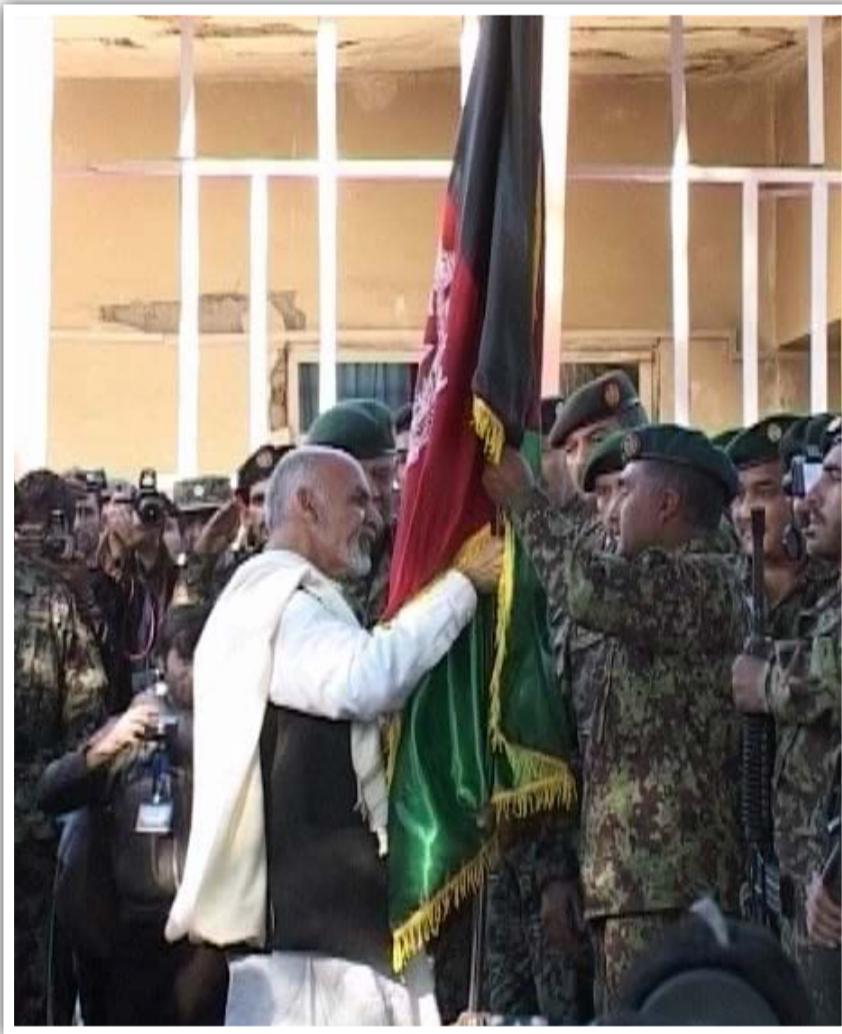
آسیب‌شناسی وضعیت امنیتی کشور بدون توجه به برنامه انتقال مسوولیت‌ها نمی‌تواند صورت گیرد. این برنامه به دلیل همان وضعیت نابه‌هنجار روحی و روانی آقای احمدزی، به صورت ناقص و پُر از اشکال فنی انجام گرفت و حالا نیروهای امنیتی را در وضعیت ابهام‌آمیزی قرار داده است. آقای احمدزی از آغاز روند انتقال مسوولیت‌ها به دلیل توهم‌زده‌گی علمی فکر می‌کرد که بیش از هر کس دیگری قادر است برنامه انتقال مسوولیت‌ها را مدیریت کند و به همین دلیل، نقطه اتکای او در این روند، به جای واقعیت‌های جامعه، توهماتش بوده است.

دیگری شکل می‌گرفت و اتفاق می‌افتاد. آقای احمدزی روند انتقال مسوولیت از نیروهای خارجی به ارتش و پولیس را، مهم‌ترین دستاورد خود بعد از تیوری‌ریزی اقتصاد جدید افغانستان می‌داند که در زمان تصدی وزارت مالیه انجام شد. آقای احمدزی به این نظر است که اقتصاد بازار را در افغانستان وارد مرحله تازه‌یی از شکوفایی کرده و بر این دیدگاه، بسی مسایل جدید و مبتلابه جامعه افغانستان را افزوده است.

اما در مورد روند انتقال مسوولیت‌های نظامی، توهم آقای احمدزی حتا از عرصه اقتصادی نیز فزونی گرفته است. گویا ایشان از مشاوران ارشد ناپلیون بناپارت بوده باشند که در عرصه نظامی صاحب سبک و نظر اند. ولی با کمی تعمق به روند انتقال مسوولیت‌ها

اشرف غنی احمدزی نامزد انتخابات ریاست جمهوری کشور، از چهره‌هایی ست که به اندیشه‌ورزی در ساحة حکومت داری و به‌خصوص شناخت از جامعه افغانستان به خود می‌بالد. او در یکی از سخنرانی‌های تلویزیونی‌اش گفت: «من می‌دانم چه کار باید بکنم». یعنی آگاهی من در حدی است که نیاز به توضیح ندارد و اگر در مواردی توضیح هم بدهم، کسی قادر به فهم آن نخواهد شد.

بدون شک، این حد از غرور و توهم می‌تواند بسیار خطرناک باشد. می‌گویند سقراط به این دلیل داناترین مرد یونان شناخته شد که خود را نادان‌ترین آدم‌ها فکر می‌کرد. توهم دانایی، اثرات خطرناکی برای شخص و جامعه می‌تواند به‌بار آورد. بسیاری‌ها به دلیل همین توهم دانایی، کشوری را به نابودی



می‌توان اشکالات جدی و حتا فاجعه‌بار آن را متوجه شد. بسیاری از کارشناسان عرصه نظامی، روند انتقال مسوولیت‌ها را روندی ناکام و حتا غیرکاربردی عنوان می‌کنند. بسیاری از آگاهان مسایل نظامی باور دارند که آقای احمدزی حتا قادر به طرح و تدوین برنامه دقیق و عملی انتقال مسوولیت‌ها نبوده است.

در این‌جا تلاش می‌شود که به‌صورت موردی، به پیامدهای برنامه انتقال مسوولیت‌ها که عمدتاً برگرفته از دیدگاه‌های کارشناسان و نظامیان کشور است، پرداخته شود:

(۱) افزایش تلفات: از مهم‌ترین مسایلی که در روند انتقال مسوولیت‌ها اتفاق افتاد، افزایش تلفات نظامیان کشور بود. بدون شک زمانی که نیروهای امنیتی به صورت خودکفا بخواهند تأمین امنیت را به عهده بگیرند، میزان رویارویی‌های آن‌ها افزایش می‌یابد،

کشانده‌اند. از زبان‌های مخرب توهم دانایی، خود را بی‌نیاز از مشوره و فکر دیگران دانستن است. آقای احمدزی هم وقتی منبر می‌رود، دیگر کسی را به رسمیت نمی‌شناسد. او فکر می‌کند که از همه بیشتر می‌داند و از همه آگاه‌تر است.

در لحن و بیان آقای احمدزی که به‌شدت غیرعلمی و غیر اکادمیک است، نوعی سطحی‌گرایی پوپولستیک موج می‌زند. او حتا قادر به تبیین علمی مسایل نیست، چه رسد که فکر تولید کند و در عرصه اندیشه‌ورزی صاحب نام باشد.

آقای احمدزی از روزی که وارد افغانستان شده، خود را سکان‌دار تحولات جدید در کشور می‌داند. او به این باور است که تحولات سیزده سال گذشته بر اثر فکر و کار او به وجود آمده و نضج گرفته است و اگر او نمی‌بود، تحولات در افغانستان به گونه

ک بی بی سی

انتخابات هند:

پنج پرسش پیش روی دولت مودی

اقتصادی و ایجاد مشاغل جدید بستگی دارد. معنی این انتخابات برای همسایگان هند چیست؟

دولت های اخیر هند متهم شده اند که در برابر فشار کشورهای مثل پاکستان و چین کوتاه می آمده اند.

شهرت آقای مودی به عنوان رهبری قدر قدرت و حامی ناسیونالیسم آهنین باعث این گمانه زنی شده که هند در دوره زمامداری او دیپلماسی قاطعانه تری را در پیش خواهد گرفت.

بی جی پی در مانیفست انتخاباتی خود گفت که معتقد است ثبات سیاسی، پیشرفت و صلح «نقشی حیاتی در رشد و توسعه آسیای جنوبی دارد».

با این حال رهبر این حزب همچنین اشاره ای نیز به موضع سرسختانه خود در مذاکره با پاکستان داشته و گفته است که «سر و صدای بمب و تفنگ نمی گذارد که صدای گفتگو به گوش برسد».

بی جی پی چگونه می تواند به همبستگی در هند کمک کند؟

پیروزی قاطعانه بی جی پی در انتخابات شکستی بزرگ برای حزب حاکم کنگره بود و حزب حاکم جدید با مخالفانی تضعیف شده و چند پاره روبرو خواهد بود.

راجنات سینگ، دبیر کل فعلی حزب بی جی پی، می گوید: «ما توانسته ایم از همه طبقات اجتماعی، فرقه ها و نژادها فراتر برویم و حالا پیروز میدان شده ایم.» همچنین این حزب توانسته در کسب آرای جمعیت شهری و روستایی به یک میزان موفق باشد.

با این حال سیاست طبقاتی و هویتی همچنان در هند پابرجاست و همه حزب ها نامزدهای خود را بر این اساس انتخاب می کنند.

توانایی بی جی پی در متحد کردن کشور و حکومت کردن بر مخالفانی که صدای خود را از دست داده اند امتحانی بزرگ در پیش روی این دولت خواهد بود.



بود.

او به مسلمانان اطمینان داده که تحت رهبری او در امنیت خواهند بود، ولی گفته می شود که برخی رهبران ناسیونالیست هندو در کارزار انتخاباتی آقای مودی سخنرانی هایی بر ضد مسلمانان کرده اند.

دولت جدید چه خدمتی به جوانان می کند؟ هند در ۱۰ سال آینده شاهد جایجایی شدیدی در ترکیب نسلی خود خواهد بود که به اضافه شدن بیش از ۱۰۰ میلیون نفر به نیروی کار این کشور خواهد انجامید.

از ۸۱۴ میلیون هندی دارای شرایط شرکت در این انتخابات، بیش از ۱۰۰ میلیون نفر برای اولین بار بود که رأی می دادند. به نظر می رسد که عده زیادی از این افراد به بی جی پی رأی داده باشند.

ولی آقای مودی و حزب او حالا با چالش برآورده کردن آمل و آرزوهای جوانان هندی روبرو می شوند. بسیاری از این جوانان خواهان سبک زندگی بهتر و فرصت های شغلی بیشتر هستند.

توانایی دولت در برآورده کردن این خواسته ها به میزان موفقیت آن در سرعت بخشیدن به توسعه

حزب ناسیونالیست هندوی بهاراتیا جاناتا (بی جی پی) که در انتخابات هند پیروز شد با پنج پرسش حیاتی رو به رو است.

آیا این دولت می تواند اقتصاد هند را متحول کند؟

در حال حاضر هند بزرگترین بحران اقتصادی خود در دو دهه اخیر را تجربه می کند و تورم بالا شاخص ترین مشکل اقتصادی این کشور است.

نارندرا مودی، رهبر بی جی پی، در کنار سیاست های دیگرش با وعده نظم دهی مالی و اصلاحات بانکی به قدرت رسیده است.

ولی دولت باید تا ماه جون لایحه بودجه ای را ارائه کند که نشان دهد این کشور به طور واقع گرایانه می تواند کسری بودجه خود را مهار کند.

آقای مودی که از سال ۲۰۰۱ نخست وزیر ایالت گوجرات بوده است، باید همچنین به وعده های خود درباره ایجاد مراکز تولیدی

و پروژه های صنعتی، که کلید دستیابی به رشد اقتصادی سریع تر برای همه کشور است، عمل کند. معنی نتایج این انتخابات برای مسلمانان و دیگر اقلیت ها چیست؟

بسیاری از مسلمانان هند از زمان شورش های سال ۲۰۰۲ در گوجرات، که به کشته شدن بیش از ۱۰۰۰ نفر (عمدتا مسلمان به دست هندوها) منجر شد، نگران قدرت گرفتن آقای مودی بوده اند. او متهم شده که کار چندانی برای جلوگیری از این خشونت ها نکرده بود اتهاماتی که او همواره آن ها را رد کرده است.

وضعیت آقای مودی بعنوان یک عامل در دسر ساز بین المللی که با منزوی شدن او توسط ایالات متحده و بریتانیا در پی شورش های سال ۲۰۰۲ همراه بود دو سال پیش به سر آمد.

او حالا باید مسلمانان هند بزرگترین اقلیت این کشور و دیگران را متقاعد کند که حزب ناسیونالیست هندوی او دنباله روی یک ایدئولوژی سیاسی-اجتماعی بیش از اندازه اکثریت گرا نخواهد

پایان درگیری در فرودگاه کراچی؛

۲۸ نفر کشته شدند

مردان مسلح در حمله به ترمینال قدیمی فرودگاه شهر کراچی در پاکستان دست کم ۱۸ نفر را کشتند.

گروه طالبان پاکستان مسوولیت این حمله را بر عهده گرفته است. یک سخنگوی پولیس پاکستان می گوید، همه ۱۰ نفر مهاجمی که در این حمله دست داشتند کشته شده اند.

حمله به فرودگاه کراچی که در واقع مهم ترین و بزرگترین فرودگاه پاکستان نیز هست به نظر می رسد که با برنامه ریزی دقیقی صورت گرفته است. مهاجمان با استفاده از کارتهای شناسایی جعلی و اونیفورم نیروهای امنیتی وارد محوطه شده اند و برخی از آنها حتی جلیقه های انتحاری داشته اند.

آنها ظاهراً با هدف خود کاملاً آشنا بوده اند. با این احتساب این حمله و نحوه اجرای آن سوالات جدی را پیش روی دولتمردان و بویژه نیروهای امنیتی پاکستان قرار می دهد. به ویژه اینکه تا چه اندازه مراکز مهم این کشور تحت کنترل و محافظت قرار دارند.

کماندوهای ارتش پاکستان از همان شروع درگیری به فرودگاه فراخوانده شدند تا کنترل اوضاع را به دست بگیرند.

درگیری در فرودگاه جناح حدود پنج ساعت به طول انجامید. این فرودگاه بزرگترین فرودگاه پاکستان است. کراچی هم بزرگترین شهر این کشور و قلب اقتصادی آن است.

گمان می رود که مهاجمان با کارت های شناسایی تقلبی وارد ترمینال قدیمی شدند که حالا برای پروازهای باری و مسافران ویژه به کار می رود.

یک مقام رسمی به خبرنگاران گفت تعدادی از مهاجمان لباس های مخصوص نیروهای امنیتی فرودگاه های پاکستان را به تن کرده بودند. به گفته او این افراد مواد منفجره را به بدنشان بسته بودند. یکی از آنها قصد کرده بود تا یک هواپیمای سازمان هواپیمایی کشوری را برباید که یک مامور به او تیراندازی می کند. تیراندازی سبب انفجار بمب هایی می شود که او به خود بسته بود.

گزارش شده که یکی دیگر از آنها هم به محض تیر خوردن منفجر شده است. اسوشیند پرس گزارش کرده که این مقام نام و سمتش را به خبرنگاران نگفته و تنها به بیان این نکته بسنده کرده که کارمند یکی از سازمان های اطلاعاتی پاکستان است.

غلام قدیر ثبو، از مقام های پولیس هم به خبرنگاران گفت صدای یکی از انفجارها مربوط به یکی از مهاجمان بوده که به محض مواجهه با نیروهای پولیس خود را منفجر کرده است. حمله آنها دقیقی بعد از نیمه شب به وقت محلی انجام شد.

اینگناس ووسیلیوس، تاجر از لیتوانی که با پروازی از لاهور به کراچی رسیده بود، مشاهداتش را این طور شرح می دهد: «زمانی که ما به سالن مخصوص تحویل گرفتن بارهایمان وارد شدیم، صدای انفجار شنیدیم، و بعد خیلی سریع نیروهای امنیتی درها را بستند و از همه خواستند تا سر جاییشان بمانند. حدود ۲۰ تا ۳۰ دقیقه بعد بود که ارتش آمد و کنترل تمام ورودی ها و خروجی ها را به دست گرفت.»

پیشتر گزارش شده بود که یک هواپیمای در این درگیری به آتش کشیده شده است، اما در گزارش ارتش آمده که هیچ هواپیمایی آتش نگرفته و صدای انفجار از انبار سوخت بوده است.

قیم علی شاه، سر وزیر استان سند که از همان شروع درگیری در محل حاضر بود به خبرنگاران گفت ۱۰ مهاجمی که در این حمله دست داشتند خیلی خوب آموزش داده شده بودند.

او گفت که آنها کارشان را خیلی دقیق برنامه ریزی کرده بودند و قصد داشتند به هواپیماها و ساختمان های فرودگاه آسیب برسانند که موفق به انجام این کار نشدند.

اسد عفو عمومی اعلام کرد



بشار اسد دستور عفو عمومی را درباره جرم های صورت گرفته تا روز دوشنبه صادر کرد.

به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز عربی، بشار اسد، رئیس جمهور سوریه روز گذشته دستور عفو عمومی درباره مجرمانی که تا تاریخ نهم جون سال ۲۰۱۴ مرتکب برخی جرائم شده اند، صادر کرد. اسد اخیراً نیز دستور آزادی ۴۸۰ زندانی را صادر کرده بود.

برخی از بندهای این عفو عمومی بدین شرح است: هر غیر سوری که با هدف پیوستن به یک سازمان تروریستی یا انجام اقدام تروریستی وارد سوریه شود در صورتی که ظرف یک ماه از تاریخ صدور این دستور خود را تحویل دهد از مجازات عفو می شود. همچنین اگر کسی روبرو شدگان را به صورت سالم و بدون اینکه باج دریافت کرده باشد، آزاد کند و خود را به دستگاه های ذیربط ظرف یک ماه از تاریخ صدور این دستور تحویل دهد، کاملاً عفو می شود. در صورتی که این جرم در دوره یاد شده مربوط به قاچاق سلاح یا مواد مخدر باشد از یک چهارم مجازات عفو می شود.

هیلاری کلینتون تا پایان امسال تصمیم بزرگش را می گیرد



پایان ۲۰۱۴ درباره آن تصمیم می گیرد.

وی در پاسخ به مجری شبکه ای بی بی سی درباره نامزدی اش برای این انتخابات گفت: مطمئناً پیش از پایان سال جاری میلادی تصمیم گیری نمی کنم.

این در حالیست که جمهوری خواهان چگونگی پرداختن به حملات تروریستی ۲۰۱۲ کنسولگری آمریکا در بنغازی، لیبی از جانب هیلاری کلینتون را زیر سوال برده اند و وی در پاسخ به این مساله که آیا در کمیته جدید تحقیقات کنگره حاضر می شود و شهادت می دهد، گفت: این مساله به مردم بستگی دارد. ما به دنبال انجام بهترین ها برای مردم آمریکا هستیم. این سنت کنگره است که درباره چنین مسائلی تحقیق کند.

وزیر امور خارجه سابق آمریکا تصمیم گیری برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۱۶ را به اواخر سال جاری میلادی واگذار کرد و گفت که هیچ قولی نمی دهد که برای شهادت دادن در مقابل کمیته تحقیقات کنگره در رابطه با حملات تروریستی سال ۲۰۱۲ علیه کنسولگری آمریکا در بنغازی حاضر شود. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق آمریکا در جریان مصاحبه با شبکه خبری ای بی سی گفت: رقبای اولیه و بالقوه آزاد هستند هر آنچه که می خواهند انجام دهند، زمانبندی کنند و درباره اش تصمیم گیری کنند.

وی افزود: می خواهم در سال جاری میلادی برای معرفی کتاب جدیدم با عنوان «انتخاب های دشوار» به سراسر کشور سفر کنم و کتاب هایم را امضا کنم.

وزیر امور خارجه سابق آمریکا که همچنان رقیب پیشروی دموکرات ها در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ است، در ادامه گفت که تصمیم دارد زمانی که احساس کرد زمانش برای تصمیم گرفتن در کاندیدا شدن در انتخابات ۲۰۱۶ فرا رسیده، نظرش را بیان کند و شاید در پایان سال جاری میلادی این تصمیم را اتخاذ کند.

از هیلاری کلینتون در سخنرانی ها و رخداد های عمومی همواره می پرسند که آیا می خواهد نامزد این انتخابات شود یا خیر و وی گفته است که در

ویتالی چورکین:

شک ندارم سرویس های مخفی

امریکا تلیفون مرا شنود می کنند

سفیر دائم روسیه در سازمان ملل اعلام کرد که شک ندارد تلیفونش توسط سرویس های مخفی امریکا مورد شنود قرار می گیرد و در دفتر کارش وسایل استراق سمع کار گذاشته شده است.

به گزارش صدای روسیه، ویتالی چورکین، سفیر دائم روسیه در سازمان ملل در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران درباره اینکه آیا درباره استراق سمع و شنود مکالمات تلفنی اش اطلاع دارد یا خیر گفت: من مطمئنم که سرویس های مخفی امریکا هم در دفتر کارم وسایل شنود کار گذاشته اند و هم تلفن مرا شنود می کنند.

وی افزود: من فکر می کنم که همواره مکالمات تلفنی ام مورد شنود قرار می گرفته و در دفتر کارم وسایل استراق سمع کار گذاشته شده است. ما جنگ سرد را سپری کردیم اما تاثیرات آن همچنان پابرجاست.

سفیر دائم روسیه در سازمان ملل ادامه داد: مشخص است که سرویس های مخفی امریکا به شنود مکالمات تلفنی اشخاص برجسته جهان و سفرا می پردازند و من یکی از آنها هستم. حتی اگر هم وسایل استراق سمعی در دفاتر کار دیپلمات ها و سفرا وجود نداشته باشد باز هم من همواره فرض بر این دارم که مکالمات تلفنی و گفته هایم شنود می شود.



بخش نخست

خانواده را بهتر بشناسیم

خانواده، جزیی از روابط انسانی و عنصری از آن است که از یک سو با عوامل وابسته به محیط خود مانند جامعه، طبیعت و تاریخ رابطه دارد و از سوی دیگر خود نیز شامل انواع تحت سیستم‌هایی می‌شود که روابط زن و شوهر، پدر و فرزند، مادر و فرزند، فرزندان با هم و سایر روابط یک خانواده را در بر می‌گیرند. بنابراین رفتار هر یک از اعضای خانواده، تابعی از کل سیستم خانواده و سیستم‌های فراگیرتر مربوط به آن و نیز سایر اعضای آن خانواده است.

هنگامی که با موازین دیدگاه سیستمی و با نگاهی کلی‌گرایانه به خانواده می‌نگریم، عناصر و واژه‌های کلیدی عبارت‌اند از ساختار، روابط، کارکرد و اطلاعات. ساختار خانواده، استخوان‌بندی آن را تعیین می‌کند. پدر، مادر، فرزندان و سلسله‌مراتب میان آنان و نیز ارتباطی که با نسل‌های قبلی (پدربزرگ، مادربزرگ) و بعدی (نواسه‌ها) برقرار می‌شود، همه در یک ساختار قابل تعریف و مشخص گنجانده می‌شود که شمایل سطحی آن شبیه چیزی است که در شجره‌نامه‌های خانوادگی می‌بینیم. به این ترتیب در ساختار یک خانواده و نگاه به آن نسل‌های قبلی و بعدی خانواده موجود نیز باید در نظر گرفته شوند و به‌خصوص توجه به الگوهای تکراری رابطه‌یی که در این نسل‌ها دیده می‌شود، از اهمیت تشخیصی و درمانی زیادی برخوردار است؛ زیرا این الگوهای تکراری می‌توانند نشان‌دهنده انواع اختلالات یا واکنش‌های غیرانطباقی باشند که در خانواده‌ها به ارث می‌رسند و باید آن‌ها را تعدیل کرد یا از میان برد. در ساختار خانواده با سلسله‌مراتب، مرزبندی‌ها و قوانین خاص هر خانواده روبه‌رو می‌شویم که آگاهی از آن‌ها برای درک ماهیت یک خانواده ضروری است.

عنصر بعدی رابطه یا ارتباط است. اصولاً در نگاه سیستمی، عناصر یک سیستم با یکدیگر و با عناصر محیط دارای ارتباط متقابل و تأثیرگذار هستند. این روابط است که پویایی و حیاتیات سیستم را تأمین می‌کند. در یک سیستم زنده مثل خانواده، توجه به الگوهای ارتباطی انطباقی یا غیرانطباقی در تشخیص اختلالات و درمان آن‌ها راه‌گشاست. در این ارتباط‌هاست که انواع گوناگون اطلاعات کلامی و غیرکلامی مبادله می‌شود. مجموعه این کنش‌ها و برکنش‌ها به صورت کارکرد یا عمل‌کرد سیستم یا نظام خانواده تجلی می‌یابد که به شکل رفتارهای قابل مشاهده و قابل بررسی فردی، جمعی و میان‌فردی خود را نشان می‌دهند. این رفتارها می‌توانند سازنده یا مخرب، سالم یا بیمارگونه و انطباقی یا غیرانطباقی باشند.

در نگاه به هر خانواده، توجه به این چهار عنصر یعنی ساختار، رابطه یا ارتباط، اطلاعات و عمل‌کرد، ماهیت وجودی آن خانواده و عمل‌کرد کلی آن را روشن



می‌کند و خانواده سالم را از خانواده ناسالم و یا مختل متمایز می‌سازد. خانوادگی که در ساختار دچار گسست است (مثلاً زن و شوهر از هم جدا شده‌اند)، روابط غیرانطباقی است (کودکی درس نمی‌خواند، یا یکی از نوجوانان معتاد شده است) و تبادل اطلاعات در آن با مشکل روبه‌روست (خواست‌ها به‌وضوح بیان نمی‌شود و یا تبادل کلامی در سطح حداقل ممکن است)، حتماً از عمل‌کرد سالم و سازنده بی‌بهره خواهد بود. به عبارت دیگر، سیستم آن از هماهنگی و سازمان‌یافته‌گی لازم محروم است.

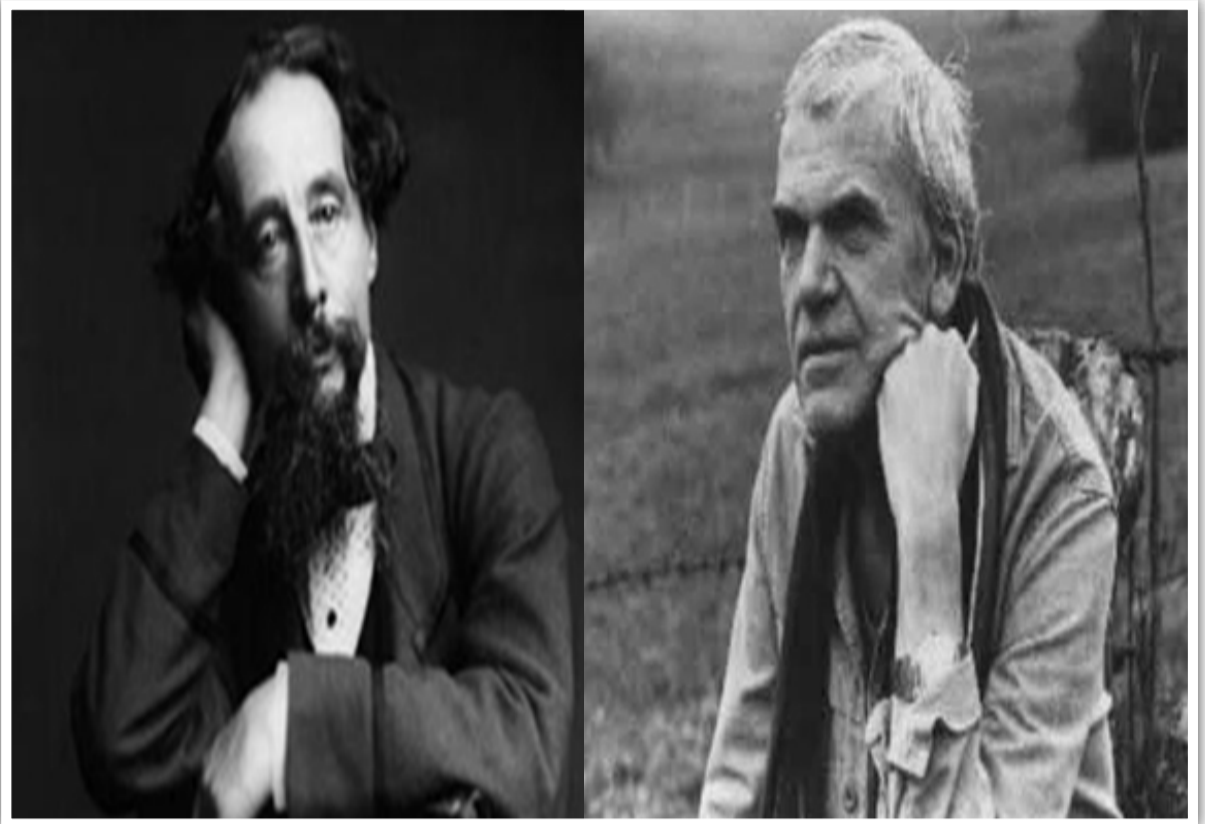
عنصر ذکر شده در فوق در یک جو عاطفی مشخصی قرار دارند که آب‌وهوای احساسی یا اقلیم عاطفی آن خانواده را تشکیل می‌دهد که می‌تواند مهربانانه و گرم، خنثا یا سرد و حتا خصومت‌آمیز باشد که رنگ‌آمیزی فضای کلی آن خانواده را می‌سازد و خود یکی از عوامل اصلی ارزیابی وضعیت خانواده است که ملاحظات تشخیصی و اهداف درمانی را می‌توان بر اساس آن تعیین کرد.

با این مقدمات به این نتیجه می‌رسیم که هنگام بروز یک ناهنجاری یا به عبارت دیگر یک مشکل خانوادگی، نگاه ما باید متوجه خانواده به مثابه یک کل و سیستم یا اجزای دارای روابط متقابل باشد.

بنابراین برخلاف رویکردهای قبلی در عرصه روان‌شناسی هنگامی که مثلاً یک فرزند دچار مشکل تحصیلی است یا مادر خانواده دچار افسردگی شدید شد، یا پسر خانواده درگیر اعتیاد است و یا پدر خانواده دست به خشونت می‌زند، به‌جای جدا کردن هر یک از این اعضا از کل خانواده و استفاده از برچسب بیمار برای آنان، باید کل خانواده و روابط موجود در آن را مسوول بروز این ناهنجاری دانست و در هنگام درمان و مشاوره نیز توجه اصلی را به ساختار معیوب، نقصان تبادل اطلاعات، جو احساسی آسیب‌زا و روابط متقابل مسأله‌آفرین در میان اعضای خانواده معطوف کرد.

بخش پنجم

هایدگر، کوندرا و دیکنز



نویسنده: ریچارد رورتی

برگردان: هاله لاجوردی

هیچ‌کس حق حکمرانی ندارد. کوندرا نظر خود را درباره کشیش ریاضت‌کش چنین جمع‌بندی می‌کند:

انسان در آرزوی جهانی است که خیر و شر در آن کاملاً متمایز باشند، چرا که او تمایلی ذاتی و مهارناپذیر به قضاوت قبل از فهمیدن دارد، مکتب‌ها و ایدیولوژی‌ها بر اساس این تمایل پدید آمده‌اند... آن‌ها می‌خواهند لزوماً کسی برحق باشد؛ یا آن‌ها کارنینا قربانی ستم‌گری تنگ‌نظر است یا کارنین قربانی زنی فاسد است؛ یا مردی بی‌گناه است که دادگاهی بیدارگر او را هم درهم شکسته یا دادگاه نماینده عدالت ملکوتی است و گناهکار است. مقوله «یا این - یا آن»، به معنی ناتوانی در تحمل نسبت اساسی امور انسانی و به معنی ناتوانی در پذیرش صادقانه این امر است که دیوانی عالی وجود ندارد.

کوندرا با اشاره‌یی گذرا به عبارت «به فراموشی سپردن وجود» که از گفته‌های هایدگر است، آن را مؤدبانه با به فراموشی سپردن نسبت اساسی یکی می‌داند. اما این تفسیر بیش از حد مؤدبانه است. هایدگر حتا در مرحله عمل‌گرایی اولیه‌اش - هیچ‌گاه اعتقادی به نسبتی اساسی به معنای مورد نظر کوندرا نداشت. همان‌طور که قبلاً گفتم، ژانر مورد علاقه هایدگر شعر غنایی است: قهرمانش هولدرلین است نه رابله یا سروانتس. از نظر هایدگر، به سبب وجود متفکر و شاعر است که وجود سایر انسان‌ها معنا می‌یابد. هر جا متفکر و شاعری باشد، آن‌جا حیات انسانی توجیه می‌شود، زیرا در همان‌جاست که چیزی کاملاً دیگرگون زنده‌گی انسان را لمس می‌کند و خود نیز لمس می‌شود؛ هر جا شاعر یا متفکری نباشد، خراب‌آباد گسترش می‌یابد.

از نظر هایدگر در زنده‌گی برخی از افراد [متفکران و شاعران] لحظاتی وجود دارد که به آن‌ها اجازه می‌دهد هم منجی تاریخ باشند و هم گذشته را جمع‌بندی کنند. اما از نظر کوندرا کاری که می‌توان با تاریخ کرد این است که بگذاریم تداوم یابد و خود را در جریان آن بیفکنیم، ولی افکندن

خود در جریان تاریخ چیزی نیست که یک انقلابی ایدیولوژی‌زده آن را توصیه کند. در این‌جا موضوع جایگزینی خرد به جای سنت یا حقیقت به جای خطا مطرح نیست. به نظر کوندرا اگر بخواهیم بدانیم درباره توقعات عصر روشن‌گری چه اشتباهی روی داده، باید به جای آثار هورکهایمر و آدورنو، نوشته‌های فلوربر را بخوانیم؛ کوندرا می‌گوید:

فلوربر کاشف حماقت است، من اذعان می‌کنم که این بزرگ‌ترین کشف قرنی است که به تفکر علمی‌اش تا به این حد می‌باید. البته حتا قبل از فلوربر نیز مردم حماقت را می‌شناختند ولی آن را به نوع متفاوتی می‌فهمیدند: هم‌چون فقدان صرف دانش، نقصی که با تحصیلات اصلاح شدنی است... نگرش فلوربر به حماقت چنین است: حماقت در برابر علم و تکنالوژی و تجدد و پیشرفت عقب نمی‌نشیند، بلکه برعکس پا به پای پیشرفت پیش می‌رود.

برداشت من این است که کوندرا می‌گوید امید روشن‌گری به عصری عاری از حماقت، اشتباه بوده است، در عوض چیزی که باید به آن امیدوار بود، فرا رسیدن عصری است که در آن رنج ضروری ناشی از انواع رایج حماقت از رنج ضروری ناشی از انواع حماقت در عصر ما کمتر باشد. هر دوره، عظمت و حماقت خاص خود را دارد. کار رمان‌نویس این است که همیشه ما را نسبت به این دو آگاه کند. از آن‌جا که هیچ دیوان عالی‌یی وجود ندارد و هیچ توصیف حقیقی واحدی در کار نیست و هیچ مفری برای رسیدن به چیزی کاملاً متفاوت هم وجود ندارد، این مهم‌ترین کار ممکن است. ولی این کار فقط بر عهده کسی می‌تواند باشد که با تمام وجود تلاش کند، کسی که رویاهای غیر تاریخی که تاریخ انسان در آن به نمایش درمی‌آید، او را آزار ندهد و به سرشت کلی انسان که تبیین‌کننده تاریخ است، بی‌اعتنا باشد و منتظر هدف ملکوتی دوردستی نباشد که لزوماً تاریخ به طرف آن در حرکت است.

دیوید هاروی و مارکسیسم

بخش دوم و پایانی

آکس کالینیکوس

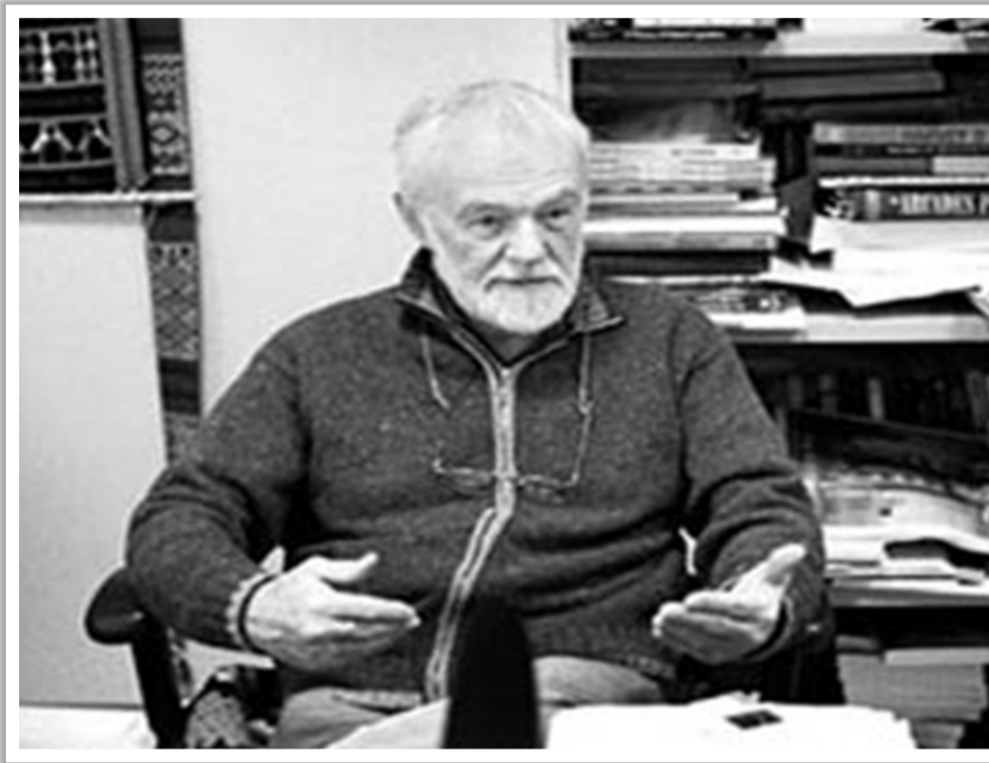
برگردان: مهرداد امامی

کتاب جدید هاروی با نام امپریالیسم نوین، نشان‌گر تغییری اساسی است. هر چند مولفه‌های نظری (کتاب تا حدودی در قالب گفت‌وگو با جیوانی اریگی است) و تمرکز سیاسی کتاب (توصیف استراتژی اصلی نئوکان‌های واشنگتن)، جدید است، اما هاروی در این‌جا مجدداً به عرصه کلاسیک‌ها پا می‌گذارد. مفهوم‌پردازی او از امپریالیسم به عنوان ترکیب متناقضی از آنچه او (به تاسی از اریگی) منطقه‌ی سرمایه‌دارانه و منطقه‌ی قدرت می‌نامد، یادآور تحلیل بوخارین از ادغام رقابت میان‌دولتی (inter-state) و اقتصادی در عصر سرمایه‌ی مالی است؛ در حالی که هاروی صریحاً به لوکزامبورگ در تفسیر مجدد خود از انباشت اولیه به مثابه «انباشت از طریق سلب مالکیت» ارجاع می‌دهد، نه به منزله مرحله ابتدایی تحول سرمایه‌داری، بلکه به عنوان فرآیندی مداوم که امروزه نمود آن، کالایی شدن بی‌امان جهان بنا بر خواسته‌های اجماع واشنگتن (Washington Consensus) است. تمام این‌ها در برابر زمینه بحران انباشت مازاد است که نخستین‌بار در محدودیت‌های سرمایه مورد تحلیل قرار گرفت

هاروی به خاطر مفهوم «خاص‌نگری ستیزه‌جویانه» (militant particularism) مرهون ویلیامز است؛ مفهومی که او به منظور اشاره به بسترندی (embeddedness) جنبش‌ها و مبارزات اجتماعی در یک زمان و مکان خاص به کار می‌گیرد که فراهم‌کننده زمینه و معناً برای آن‌هاست، اما می‌تواند به طرز خطرناکی افق‌های سیاسی و اقتصادی‌شان را محدود نماید. هاروی استدلال می‌کند که «کنش نظری» (Theoretical practice) باید «به عنوان دیالکتیکی پیوسته میان خاص‌نگری ستیزه‌جویانه زنده‌گی‌های زیسته، و مبارزه برای دست‌یابی به یک فاصله انتقادی کافی و جدانشده‌گی از صورت‌بندی جاه‌طلبی‌های جهانی، برساخته شود». (11) این نتیجه‌گیری از تأملات هاروی درباره مبارزه برای نجات موتورسازی راور (Rover car plant) در کاولی آکسفورد پدیدار شد که او در پایان دهه 1980 از آن حمایت می‌کرد. در این‌جا با چهارمین ویژه‌گی تمایزبخش مارکسیسم هاروی مواجه می‌شویم. وابسته‌گی به کنش‌گری سیاسی.

پری اندرسون به‌خوبی مارکسیسم کلاسیک را، که مراد او مارکسیسم سه انترناسیونال نخست بود. که در خارج از آکادمی مشغول اقتصاد سیاسی و استراتژی انقلابی بود و ریشه در سازمان‌های توده‌ی طبقه کارگر داشت - در تقابل با مارکسیسم غربی قرار داد که در اروپای قاره‌ی پس از جنگ جهانی دوم پدیدار گشت - مارکسیسمی که جایگاه آن در دانشگاه بود و بر فلسفه و ایدئولوژی تمرکز داشت و جدای از کنش سیاسی بود (اندرسون 1976). مارکسیسم انگلیسی زبان معاصر، فارغ از سایر تفاوت‌هایش با پیشگامان قاره‌ی خود، عمدتاً محدود به آکادمی بوده است. اگر بخواهیم مجدداً موارد جیمسون و ایگلتون را در نظر آوریم، هر نقش کنش‌گری سیاسی‌ی هم که آن‌ها

مطمیناً یکی از وجوه معرف یک حزب است. این تفاوت شاید به تفاوت ظرفیت‌تری مرتبط باشد. گفته می‌شود که ایده مارکسیسم کلاسیک به عنوان یک سنت، کم‌وبیش دلالت بر تلاشی پیوسته به منظور تداوم بخشیدن به پیکره‌هایی از تفکر دارد که هر دوی آنها [هم هاروی و هم سنت سوسیالیستی انقلابی] اندیشه‌های مرکزی آن را ترسیم می‌کنند، اما در پی بسط‌شان به واسطه درگیر شدن با مشکلاتی هستند که نسخه‌های ابتدایی آن سنت، یا از آن‌ها صرف‌نظر می‌کردند یا نیازی به مواجهه با آن‌ها نمی‌دیدند. پیکره بسیار غنی نوشته‌های مربوط به نظریه مارکسیستی



کتاب جدید هاروی با نام امپریالیسم نوین، نشان‌گر تغییری اساسی است. هر چند مولفه‌های نظری (کتاب تا حدودی در قالب گفت‌وگو با جیوانی اریگی است) و تمرکز سیاسی کتاب (توصیف استراتژی اصلی نئوکان‌های واشنگتن)، جدید است، اما هاروی در این‌جا مجدداً به عرصه کلاسیک‌ها پا می‌گذارد. مفهوم‌پردازی او از امپریالیسم به عنوان ترکیب متناقضی از آنچه او (به تاسی از اریگی) منطقه‌ی سرمایه‌دارانه و منطقه‌ی قدرت می‌نامد، یادآور تحلیل بوخارین از ادغام رقابت میان‌دولتی (inter-state) و اقتصادی در عصر سرمایه‌ی مالی است؛ در حالی که هاروی صریحاً به لوکزامبورگ در تفسیر مجدد خود از انباشت اولیه به مثابه «انباشت از طریق سلب مالکیت» ارجاع می‌دهد، نه به منزله مرحله ابتدایی تحول سرمایه‌داری، بلکه به عنوان فرآیندی مداوم که امروزه نمود آن، کالایی شدن بی‌امان جهان بنا بر خواسته‌های اجماع واشنگتن (Washington Consensus) است. تمام این‌ها در برابر زمینه بحران انباشت مازاد است که نخستین‌بار در محدودیت‌های سرمایه مورد تحلیل قرار گرفت

تأملات معاصرش در باب مبارزاتی از قبیل مبارزات ایالت چیپاس و سیاتل (Chiapas and Seattle)، اندیشه هاروی به واسطه تمرکز بر فهم و کمک به بیان صریح خواسته‌های جنبش‌ها برای عدالت اجتماعی مشخص می‌شود. در این بستر است که ما برای مثال باید علاقه او را به استفاده از زبان حقوق جهان‌شمول به منظور بسط افق‌های «جزیی‌نگری ستیزه‌جویانه» در نظر آوریم که پویایی آن به طور چشم‌گیری ضدسرمایه‌دارانه است. (14)

این مثال، مستقیماً حاکی از فاصله‌ی است که هم‌چنان میان تفکر هاروی و مارکسیسم کلاسیک باقی می‌ماند؛ فاصله‌ی که (تقریباً به صورت نادرستی) گرایش به مردود شمردن صحبت از حقوق، و به‌راستی تمام گفتمان هنجاری به مثابه پوشش محض منافع طبقاتی دارد. تفاوت‌های دیگر به‌سرعت به ذهن متبادر می‌شوند. برای مثال، شخصیت‌های بزرگ سنت سوسیالیستی انقلابی - اشخاصی چون مارکس، انگلس، لنین، لوکزامبورگ، تروتسکی و گرامشی، همه‌گی به حزب سیاسی به منزله شکلی سازمانی می‌نگریستند که در آن، لزوماً بین نظریه و عمل یک میانجی وجود دارد (هرچند آن‌ها به طرق متفاوتی چنین حزبی را درک می‌کردند). هاروی در برابر، روشن‌فکری مستقر در آکادمی است که در جنبش‌های اجتماعی مشارکت می‌کند و در مورد آن‌ها می‌اندیشد؛ جنبش‌هایی که خارج از آکادمی به وجود آمده و معمولاً زیر عنوان «جزیی‌نگری ستیزه‌جویانه» فاقد هر گونه برنامه جامع تصرف‌اند، تصرفی که

می‌گذارد. مفهوم‌پردازی او از امپریالیسم به عنوان ترکیب متناقضی از آنچه او (به تاسی از اریگی) منطقه‌ی سرمایه‌دارانه و منطقه‌ی قدرت می‌نامد، یادآور تحلیل بوخارین از ادغام رقابت میان‌دولتی (inter-state) و اقتصادی در عصر سرمایه‌ی مالی است؛ در حالی که هاروی صریحاً به لوکزامبورگ در تفسیر مجدد خود از انباشت اولیه به مثابه «انباشت از طریق سلب مالکیت» ارجاع می‌دهد، نه به منزله مرحله ابتدایی تحول سرمایه‌داری، بلکه به عنوان فرآیندی مداوم که امروزه نمود آن، کالایی شدن بی‌امان جهان بنا بر خواسته‌های اجماع واشنگتن (Washington Consensus) است. تمام این‌ها در برابر زمینه بحران انباشت مازاد است که نخستین‌بار در محدودیت‌های سرمایه مورد تحلیل قرار گرفت. (16) به هر ترتیب، در بجهت درخشش وضعیت استثنایی جهانی که به واسطه مدیریت جرج بوش تحمیل شد، به نظر می‌رسد که هاروی مجبور به گفت‌وگویی دقیق‌تر با مارکسیسم کلاسیک شده است و به صورت نرم اما مستقیم، به گسترش اتکای متمایزش بر میراث روشن‌فکری مارکس ادامه می‌دهد. فاصله هاروی از سخت‌گیری مباحث مارکسیستی، احتمالاً به او در متفاوت دیدن وقایع کمک نموده و سایر سنت‌ها را با ترکیب خصلت‌نمای سخاوت و موشکافی خود مورد ملاحظه قرار داده است. این امر حاکی از دیالکتیکی است که هاروی میان جزئی‌نگری ستیزه‌جویانه و دیدگاه‌های انتقادی و جهانی‌ی ایجاد می‌کند که درون خود مارکسیسم به وقوع می‌پیوندد. ما به دیوید هاروی، به‌خاطر این‌که در دنبال کردن این دیالکتیک در جهان متغیر قرن بیست‌ویکم کمک‌مان کرده است، مدیونیم.

1. اهمیت فراینده مارکسیسم انگلیسی‌زبان در این پژوهش فرانسوی جدید، مشخص است: بنگرید به 2001 Bidet and Kouvelakis.
2. در مورد مبحث آخر بنگرید به هاروی 1982 الف: 8-35، و استیدمن و دیگران 1979.
3. به نظر می‌رسد جرارد دومنیل نخستین فردی بوده که به صورت نظام‌مند این نقد را بسط داده است: مخصوصاً بنگرید به دومنیل 1978: 283-97. هاروی هم از دومنیل نقل قول می‌کند (1982 الف: 185 شماره 13).
4. هاروی به‌تازگی تأکید کرده که: «اشتباه است که این سه کاهش را به طور متوالی در نظر آوریم. باید آن‌ها را به عنوان وجوه هم‌زمان ساختار بحران و گسست درون وحدت ارگانیک سرمایه‌داری بدانیم» (1999 الف [1882 الف]: xxii).
5. خود هاروی دشمن مارکسیسم تحلیلی است: برای مثال بنگرید به هاروی 1999 الف: xxi.
6. برای ارزیابی بیشتر این متن، بنگرید به کالینیکوس 1985.
7. برای مثال بنگرید به هاروی 1985 ب: فصل 2.
8. بنگرید به بحث پری اندرسون (1998) در مورد تفسیر مارکسیستی پست‌مدرنیسم.
9. هم‌چنین برای بحث مفصل‌تر از هایدگر به همراه بسیاری از نظریه‌پردازان زمان و فضا بنگرید به هاروی 1996 الف: بخش 3.
10. مقایسه کنید با ویلیامز 1980: بخش سوم.
11. هاروی 1996 الف: 44 و کلا به فصل اول؛ برداشت اندک متفاوتی از این مقاله در هاروی 2001 الف منتشر شده است.
12. ایگلتون (2001: فصل 4) به‌طور شوخ‌طبعانه‌ی در مورد زمان حضورش در یک گروه شدیداً چپ نوشته است (هم‌چنین در آکسفورد، همراه با شخصیت‌هایی که باید با شخصیت‌های کمپین نجات موتورسازی راور، که هاروی بعدها به آن‌ها پیوست، هم‌پوشانی داشته باشد).
13. روایت تجدید نظرشده و بسط‌یافته این مقاله اخیراً در هاروی 2003 الف: بخش سوم منتشر شده است.
14. برای مثال بنگرید به هاروی 2000 الف: فصل‌های 5 و 12 و 2001 الف: فصل 1.
15. برای تأملات بیشتر درباره این مثال، بنگرید به کالینیکوس 2001 و 2002.
16. هاروی 2003 ب، مخصوصاً فصول 2 و 4. مقایسه شود با اریگی 1994.

منبع:

David Harvey: A Critical Reader, 2006, edited by Noel Castree & Derek Gregory, Blackwell Publishing: ch 3. David Harvey and Marxism by Alex Callinicos

در همایش فراخوان بنیاد شهید مسعود برای مشارکت چشم گیر در انتخابات

احمدولی مسعود: آرزوی پیروزی داکتر عبدالله را دارم

داکتر عبدالله: در دولت اصلاحات و همگرایی اجندای ملی را مدنظر قرار خواهیم داد

احمد ولی مسعود، رییس بنیاد شهید مسعود، در همایشی که از جانب این نهاد برای شرکت پرشور مردم در انتخابات برگزار شده بود، پیروزی داکتر عبدالله را در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری آرزو کرد و او را یک شخصیت مناسب برای ریاست جمهوری افغانستان خواند.

در این همایش که در هوتل انترکانتیننتال برگزار شده بود، صداهای از نخبگان کشور، فعالان سیاسی، فرماندهان جهادی و دانشجویان شرکت کرده بودند. آقای مسعود گفت: افتخار دارم که امروز داکتر عبدالله، رفیق دیرینه خویش را، در آستانه پیروزی می بینم. سالها من و داکتر عبدالله دوست و همکار بوده ایم و خاطرات به یادماندنی دوران جهاد و مقاومت را تحت رهبری آمر صاحب شهید با هم داریم. بسیاری از فراز و نشیبهای زنده گی سیاسی را با هم پشت سر گذاشته ایم و در انتخابات قبلی ریاست جمهوری مفتخرم به این که اولین بار (انتخابات ۸۸) بنده ایشان را من حیث یک شخصیت مناسب به کاندیداتوری ریاست جمهوری افغانستان شناسایی و تشویق کرده و با تمام امکانات و توان از ایشان حمایت نمودم. تفکر سیاسی تغییر و امید و تأسیس ائتلاف ملی افغانستان، دقیقاً از همان زمان شکل گرفت که امروز محور اصلی قضایای سیاسی کشور قرار گرفته و کاندیدای پیشنهاد را تحویل مردم افغانستان داده است.

احمدولی مسعود با اشاره به حمله اخیر بر جان داکتر عبدالله و درود بر شهدای این حادثه گفت: «خوشحالم که داکتر صاحب عبدالله و همراهانش از این حمله تروریستی جان سالم به در بردند. این نقطه عطف است و همدارباشیست به همه آنانی که به افغانستان، من حیث خانه مشترک می اندیشند. توطیه روز جمعه، زنجیره دسایس خطرناکی است که بیش از یک دهه می شود ملت افغانستان را داغدار کرده است. شخصیت های بزرگ جهاد و مقاومت از قهرمان ملی کشور شروع تا شهید مزاری، شهید عبدالحق، و به همین سلسله نخبگان جهاد و مقاومت و همچنان بزرگان قوم در جنوب و شخصیت های ملی الی شهادت رهبر جهاد استاد برهان الدین ربانی شهید و تا به امروز، سوء قصد به جان داکتر صاحب عبدالله همه از یک تفکر تغذیه می شوند و آن تفکر در مقابل آنانی است که افغانستان را به افغانستان می خواهند و خیر و صلاح کشور و سعادت مردم در برنامه شان است.»

احمدولی مسعود افزود: نقطه قابل تأمل و سوال اصلی این است که چرا بزرگانمان که هر یک عمری را در دفاع از وطن، آزادی، مردم و دین خدا سپری نموده اند و قد راست ایستاده اند، آماج همچو حملات تروریستی و ظالمانه قرار می گیرند. در این چه رازی نهفته است که تا هنوز که هنوز است حتا سرنخی هم از طراحان این توطیه ها به دست نیامده است؟ چرا باید ما همواره خون بدهیم و هیچگاهی حق زنده گی و خوشی نداشته باشیم؟ این چه کسانی اند که حق خوشبختی ما را سلب می نمایند و ما را عادت می دهند که همواره شهید بدهیم و به سوگ بنشینیم و ملت خویش داغدار ببینیم؟ این چه دور باطلی است که از آن هیچ روزی هم خلاصی نداریم؟

آقای مسعود در ادامه سخنانش تأکید کرد، فقط برای لحظه ای مکث نمایید و تصور کنید که اگر خدای ناخواسته روز جمعه گذشته، دشمنان موفق به هدف خود می شدند، چه بلایی بر سر این ملت، آینده دموکراسی، انتخابات و سرنوشت کشور می آمد و این مردم تا چه زمان دیگر آرامش نسبی خود را از دست می دادند.

احمد ولی مسعود تأکید کرد، در واپسین روزهای کمپاین های انتخاباتی که پای سرنوشت ملت بزرگ افغانستان در میان است، مردم طالب رهنمایی برای انتخاب نیک می باشند. بنابراین ما درحالی که به

دیدگاه های خویش عمیقاً پای بند می باشیم و با مشارکت در روند ملی انتخابات به حیث شهروندان این سرزمین و به خاطر ادای مسوولیت تاریخی در برابر خدا و مردم، برای برادر محترم داکتر صاحب عبدالله به حیث رییس جمهور آینده کشور با تیم همراهشان در محور اصلاحات و همگرایی، دعای خیر و پیروزی می نمایم. پروردگار به ایشان توفیق اعطا نماید تا در ساحت دولتداری و خدمتگزاری برای مردم افغانستان موفق و سربلند بیرون آیند.

رییس بنیاد شهید احمد شاه مسعود هم چنان گفت: «داکتر عبدالله که شخصیت شان با شخصیت عقلانی مسعود شهید، با شخصیت عاطفی وی و رابطه او با مردم و جهان و با خدا گره خورده، به مردم این سرزمین این امیدواری را داده است که کسی که با تکیه با این نام به میدان آمده و ادعای پاسداری از افکار و اندیشه های شهید مسعود را دارد، بتواند با تکیه بر همین هویت، ضامن رفاه و سعادت خلق الله و موجب سرفرازی کشور گردد.»

او گفت که امیداریم با پیروزی ایشان با دعوت و فراخوان ملی از همه نیروهای تأثیرگذار منجمله تیم رقیب انتخاباتی، نخبگان سیاسی - مدنی مطابق صواب دید خود ایشان و دیدگاه های ملی و محوری افغانستان در متن نظام در چارچوب دولت ملی همه با هم همکار نظام باشیم. و با این روش بتوانیم از این مرحله حساس تاریخی گذار به طور جمعی و موفقانه به فردای با ثبات عبور نماییم. در این باب بارها با جناب داکتر صاحب صحبت ها داشته ایم. امیداریم که انشالله در فردای پیروزی بدون هیچ چشم داشتی به مقام و عنوانی بتوانیم در جمع بزرگ نخبگان افغانستان در جهت صلح، وفاق، وحدت، همگرایی و تفاهم همکار باشیم.

رییس بنیاد شهید مسعود همچنان افزود: آرزومندیم که زعامت جدید افغانستان در فصل جدید سیاسی

کارهایی صورت گرفته و کارهای دیگری نیز در حال انجام است.

آقای عبدالله عبدالله با بیان خاطرات مشترک خویش با دوست و رفیق نزدیکش آقای احمدولی مسعود گفت: احمدولی مسعود طی سال های گذشته آرزوی چوکی و مقام را نداشته است؛ اگر در بنیاد شهید احمدشاه مسعود بوده و یا هم برنامه آجندای ملی را با جمعی از نخبگان کشور راه اندازی کرده؛ تنها در باره افغانستان فکر کرده و برای آینده و سلامت کشور تلاش ورزیده است.»

آقای عبدالله افزود، احمدولی مسعود و جمع نخبگانی که در محور برنامه آجندای ملی در سال های پسین کار کردند، آنان با خودگذری این کار را کردند، فکر تولید کردند و به خورد مردم افغانستان دادند و ما هم از نظریات این دوستان مستفید شدیم و در جریان کار نظریات آنها را در برنامه های دولت اصلاحات و همگرایی مدنظر خواهیم گرفت.

آقای عبدالله عبدالله با ستایش از کارکردهای کنفرانس آجندای ملی و نخبگانی که در محور آن کار کردند، گفت: این ها افکار و نظریاتی را خلق کردند که برای همیشه به درد افغانستان می خورد و دولت اصلاحات و همگرایی به اندیشه این جمع نخبگان احترام قایل است و ضرورت این را می دانیم که نه تنها برای روز انتخابات که برای موفقیت مردم افغانستان، از آن استفاده ببریم.

نامزد پیشنهاد انتخابات ریاست جمهوری افغانستان با اشاره بر چالش های موجود در کشور تأکید کرد: حل این مشکلات تنها به یک بازوی حکومت ممکن نیست؛ اگر نخبگان این کشور بازو و دست به دست هم ندهند، حکومت نمی تواند این بار را ببرد.

داکتر عبدالله عبدالله از شعارهای قومی برخی اعضای تیم اشرف غنی احمدزی نیز انتقاد کرد.

او گفت که کسانی که مردم را تهدید به رأی دادن به



کسی می کنند، نه خود را شناخته اند، نه از مسوولیت خود آگاه هستند و نه هم مردم افغانستان را شناخته اند.

داکتر عبدالله افزود، این افراد شعور مردم را در نظر نگرفته اند و از آگاهی مردم خود خبر ندارند و صداهای تفرقه را بلند می کنند و کسانی که مدعی «متفکر جهان» هستند، در برابر چنین تحركاتی خاموش می نشینند؛ خداوند هدایت شان کند.

موج حمایت سراسری از تیم اصلاحات و همگرایی به رهبری داکتر عبدالله عبدالله، پیروزی این تیم را در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری قطعی ساخته است.

اکثریت نامزدان مطرح دور نخست انتخابات ریاست جمهوری و اکثریت چهره های برجسته سیاسی، از داکتر عبدالله عبدالله در دور دوم انتخابات حمایت کرده اند.

به باور ناظران، حمایت بنیاد شهید مسعود و خانواده قهرمان ملی افغانستان از تیم اصلاحات و همگرایی، جایگاه و پایگاه اجتماعی این تیم را بیش از پیش افزایش می بخشد.

خانواده قهرمان ملی با حمایت شان از داکتر عبدالله عبدالله به همه نگرانی هایی که از جانب مردم وجود داشت، پاسخ ارایه کردند.

مردم در شبکه های اجتماعی به گونه گسترده از پیوستن بنیاد شهید مسعود و احمدولی مسعود به تیم اصلاحات و همگرایی استقبال کرده اند.

کرزی با وسوسه ها مقابله...

دچار گسستگی شده، رژیمش به فساد کلان متهم شده و افغانستان همچنان دستخوش حملات گروه طالبان است. اما پیش بینی می شود رییس جمهوری جدید بتواند تحولاتی ایجاد کند.

بت دم نویسنده هالندی که برای کتاب جدیدش درباره رییس جمهوری افغانستان مصاحبه اختصاصی با کرزی داشت گفت: «حقیقت این است که کرزی شبکه پشتیبانی وسیعی ایجاد کرده است که نفوذش را حفظ می کند.»

وی افزود: «کرزی به دنبال راههایی برای اعمال نفوذ و کمک به برخی افراد و شخصیت ها برای رسیدن به قدرت است. بسیاری از فرمانداران و مقامات دولتی درباره چگونگی به قدرت رسیدن با وی در تماس هستند.»

کرزی که در زمان آغاز به کار ۴۴ سال داشت زمانی که برای ریاست جمهوری افغانستان پس از سرنوشتی رژیم طالبان انتخاب شد، به ستاره یی جهان بدل گردید.

وی امریکا را متقاعد کرد که شریک بسیار خوبی برای مقابله با شبه نظامی گری پس از حملات یازده سپتمبر است.

اما با افزایش حملات شبه نظامیان، افزایش تلفات و صرف هزینه های چند میلیارد دلاری با نتایج اندک، اوضاع عوض شد و کرزی شروع به انتقاد شدید از مداخله امریکا کرد.

اکنون پس از گذشت دو دوره ریاست جمهوری، به نظر می رسد که وی آماده است نقش فردی صاحب نفوذ و پدر ملت را ایفا کند.

بت دم گفت: «امریکا و سایر کشورها همواره فکر می کردند کرزی یکی از ماست و واقعیت اینست که وی دیپلمات مسلط به زبان انگلیسی و سیاستمداری است که می تواند به آسانی با غرب ارتباط برقرار کند.»

وی اضافه کرد: «اما آن گونه که من کرزی را می شناسم، وی بیشتر شبیه رهبر قبیله یی با نفوذی است. کرزی غربی ها را درک می کند اما نمی داند که غرب نیز کرزی و سیاست های قبیله یی وی را درک می کند یا خیر.»

کرزی پس از یک سری درگیری های لفظی با امریکا، از امضای پیمان امنیتی خودداری کرد که به گروه کوچکی از نظامیان امریکایی اجازه می دهد پس از سال ۲۰۱۴ میلادی برای کمک به آموزش نظامیان و مبارزه با تروریسم در افغانستان بمانند.

کرزی در خانه جدیدش که فقط چند دقیقه با کاخ ریاست جمهوری فاصله دارد، شخصیت مشهوری در افغانستان باقی خواهد ماند اما سخنگوی وی گفت کرزی در برابر وسوسه های مداخله در امور روزانه دولتی ایستاده گی خواهد کرد.

این سخنگو افزود: «کرزی رییس جمهوری بازنشسته و شهروندی در خدمت مردم خواهد بود که در صورتی که رییس جمهوری آینده بخواهد به خدمت وی در خواهد آمد.»

گفته می شود کرزی احتمالاً کتابی درباره ظهورش در افغانستان به عنوان رهبر ملی خواهد نوشت که بلافاصله پس از سرنوشتی طالبان از پاکستان به کابل بازگشت.

کرزی ماه دسمبر در هند اعلام کرد می خواهد شهروند خوشحالی با آزادی عمل زیاد باشد.

متفکر دوم در دفاع از...

خاین هستید، نه کسانی که اشتباه کرده اند.»

این سخنان فکر نکند با نوشته های هگل و هایدگر قابل مقایسه باشند. در این جمله زبان در عریان ترین شکل خود ظاهر شده است. عریان ترین شکل زبان، خشونت است.

آیا خشونت پنهان در این جمله را می توان کتمان کرد؟ آقای دوستم هنوز پا به وادی ارگ و صدارت نگذاشته، چنین آغاز به تهدید کرده است؛ وای از آن روزی که ایشان در هیأت معاونت اول ظاهر شوند، آن گاه معلوم نیست چه دماری از روزگار دیگران بیرون خواهد آورد!

از جانب دیگر، دومین مغز متفکر جهان (البته باید هزاران فیلسوف و اندیشمند را با هزاران اثرشان مرده انگاشت) از کدامین کارکرد زبان برای توجیه سخنان معاون اول خود که ایشان هم البته می توانند سومین مغز متفکر جهان شوند، استفاده کرده است؟

تا جایی که من خبر دارم، آقای احمدزی دکترای زبان شناسی ندارد و به همین دلیل برای او دشوار است که بتواند به رازهای زبانی معاون اول خود پی ببرد. زیرا به قول بیدل «معنی بلند من، فهم تند می خواهد/ سیر فکرم آسان نیست، کوهم و کتل دارم.»

شایسته آن بود که آقای احمدزی به جای توجیه تهدیدهای معاون اول خود، از مردم پوزش می خواست و از منبر رفتن های «سومین مغز متفکر جهان» جلوگیری می کرد تا وضع از چیزی که هست، بدتر نمی شد.



بحران امداد رسانی به مجروحان جنگی پس از ۲۰۱۴

اسلام آباد به کابل: ناکامی تان را در شناخت عاملان

حمله به عبدالله توجیه نکند

دولت پاکستان روز دوشنبه اتهام کابل مبنی بر طراحی حمله تروریستی به جان داکتر عبدالله نامزد دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در پیشاور را رد کرد و آن را غیرمسئولانه خواند.

خانم تسنیم اسلم سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان با انتشار بیانیه رسمی افزود: اسلام آباد هرگونه طرح اتهام و یا اشاره به دخالت اسلام آباد در حمله اخیر به کاروان داکتر عبدالله عبدالله یکی از دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را تفتیح می کند.

وی تاکید کرد: دولت پاکستان اظهارات امنیت ملی افغانستان را در این خصوص «نا امیدکننده» و چنین موضعی را باعث تخریب فضای همکاری های سازنده و روابط دوجانبه میان دو کشور می داند.

بر اثر حمله روز جمعه گذشته به موتر عبدالله عبدالله در شهر کابل دوازده نفر کشته و ۴۰ تن دیگر زخمی شدند. در این حمله به عبدالله عبدالله و همراهانش آسیبی نرسید.

هیچ گروهی تاکنون مسوولیت این اقدام تروریستی را به عهده نگرفته و طالبان نیز در این خصوص اظهار نظر نکرده است.

امنیت ملی افغانستان می گوید توطیه حمله به داکتر عبدالله عبدالله در شهر پیشاور مرکز ایالت خیبرپختونخوا در شمال غرب پاکستان طراحی شده است.

سخنگوی مرکز دیپلماسی دولت اسلام آباد خاطر نشان کرد: اتهامات افغانستان علیه پاکستان و نهادهای امنیتی این کشور بیانگر شکست های امنیتی در راستای شناسایی عناصر اخلاص گر و اقدامات تروریستی در افغانستان می باشد.

وی گفت: پاکستان اطمینان دارد که چنین اتهاماتی هرگز باعث گمراهی مردم افغانستان و جامعه بین الملل نمی شود و اسلام آباد هیچ منافعی برای خود در پی ایجاد هرگونه اختلال در انتخابات ریاست جمهوری افغانستان نمی بیند.

تسنیم اسلم تاکید کرد: برگزاری انتخابات مسالمت آمیز و واگذاری قدرت در افغانستان در راستای منافع این کشور و پاکستان قرار داشته و همچنین گامی به سوی ارتقای صلح و ثبات در منطقه می باشد.

وی خاطر نشان کرد: ما امیدواریم مردم افغانستان در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری بار دیگر حضور پرشور و گسترده داشته باشند و دولت و مردم پاکستان نیز در چنین وضعیتی حساسی در کنار مردم افغانستان قرار دارند.

این افسر امریکایی که نام خود را فاش نداشت تاکید کرد: با این حال اگر کسی از ناحیه صورت گلوله بخورد و یا دست هایش را از دست بدهد قرار نیست ما اجازه دهیم او بمیرد.

افسران امریکایی اظهار داشتند که اکثر ماموریت های خارج ساختن مجروحان از صحنه جنگ اکنون توسط ارتش یا پولیس افغانستان و با بکارگیری آمبولانس های زمینی و هم یک ناوگان کوچک از هلی کوپترهای Mi-17 انجام می شود.

سال گذشته میلادی یک مامور پولیس افغانستان که در استان وردک مجروح شد در حالی که منتظر امداد رسانی نیروهای دولتی افغان بود از شدت خونریزی کشته شد.

نهاد مربوط به خدمات پژوهشی کنگره امریکا در گزارشی در این باره عنوان کرد که همکاران این مامور پولیس از بابت این اتفاق شدیداً از فرماندهانشان ناراضی بودند.

بر اساس این گزارش زمانی که مقامات بلند پایه افغانی تصمیم گرفتند هلی کوپتری را بفرستند، به علت تاریکی هوا بسیار دیر شده بود و خدمه هلی کوپتر به منظور پرواز در شب آموزش ندیده بودند و تجهیز نشده بودند.

تا همین چند وقت پیش متوسط نرخ تلفات سربازان زخمی شده افغانی در جنوب این کشور به مرز ۴۴ درصد رسیده بود و این برابر با نرخ تلفات سربازان در سال های دهه ۱۸۰۰ در جنگ داخلی امریکا بود.

با این حال مقامات ناتو می گویند که این نرخ به طور پایدار کاهش یافته و به ۳۴ درصد رسیده است.

با وجود آنکه ارتش افغانستان در تقویت آموزش های کمک های اولیه و معالجات پزشکی پیشرفت حاصل کرده اما پولیس افغانستان هنوز در این زمینه عقب است.

یکی از بازرسان کل پنتاگون ماه گذشته میلادی در گزارشی عنوان کرد نیروی پولیس افغانستان از پزشک و تجهیزات کافی برای معالجه مجروحان جنگی برخوردار نیست.

این گزارش عنوان کرد که آمبولانس های این نیرو با کمبود تجهیزات روبرو هستند و بیمارستان های آن پرسنل آموزش دیده کافی ندارند و افسران پولیس به آموزش های کمک های اولیه بیشتری برای کمک به مجروحان احتیاج دارند.



افغان هرچه بیشتر رهبری مبارزه با طالبان در دو سال گذشته را تقبل کرده اند و نیروهای ناتو به حاشیه رفته اند، تلفات بیشتری نیز داده اند.

در سال ۲۰۱۳ آمار تلفات سربازان افغانستان افزایش چشمگیری یافت و به ۱۰۰ نفر در هفته رسید و در کنار آنها هر ماه صدها تن نیز مجروح می شوند.

مقامات ایساف اظهار داشتند، نیروی هوایی افغانستان در خارج ساختن مجروحان از صحنه جنگ و نجات آنها پیشرفت چشمگیر داشته است و سال گذشته میلادی بیش از ۱۵۴۰ ماموریت خارج سازی مجروحان را از طریق هوایی انجام داده است در حالی که در سال ۲۰۱۲ این تعداد ۳۲۹ عدد بود.

بلچر تاکید کرد: نیروی هوایی افغانستان پیشرفت های چشمگیری در خارج ساختن مجروحان طی تقبل رهبری عملیات ها از خود نشان داده است.

در این میان نیروهای ناتو با توجه به اینکه هم تلاش می کنند به آماده سازی نیروهای افغانی برای خارج سازی مجروحان از صحنه درگیری ها کمک کرده و در عین حال به تقاضای کمک آنها پاسخ دهند جایگاهی حساس پیدا کرده اند.

یک افسر بلند پایه امریکایی اظهار داشت: ما تلاش می کنیم آنها را تشویق کنیم تا از منابعشان استفاده کنند و آنها در حال بهتر شدن هستند.

تاکنون خارج ساختن مجروحان از صحنه درگیری ها در افغانستان توسط نیروهای خارجی در این کشور انجام می شد، اما پس از خروج این نیروها از افغانستان، دیگر افغان ها نمی توانند برای خارج ساختن مجروحان از صحنه جنگ توسط هوایما یا هلی کوپتر به سربازان غربی تکیه کنند و این به یک معزل برای نیروهای افغانی تبدیل شده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، قرار است تا پایان سال جاری میلادی بیشتر ۵۱ هزار نیروی ایساف خاک افغانستان را ترک کنند و همراه با خود بخش عمده یگان های هوایی امداد رسانی پزشکی را خارج خواهند ساخت.

سرهنگ کریستوفر بلچر، سخنگوی ایساف اظهار داشت: پس از سال ۲۰۱۴ افغان ها به تنهایی مسوول تامین امنیت و امداد پزشکی در صحنه جنگ خواهند بود.

در این میان مشاوران امریکایی تلاش می کنند تا به افغان ها در تقویت ظرفیت های خود برای استفاده از آمبولانس و هلی کوپترهای روسی به منظور امداد رسانی پزشکی در جنگ کمک کنند.

با توجه به افزایش چشمگیر تلفات در میان نیروهای امنیتی افغان، انتقال اورژانسی مجروحان از صحنه های درگیری یکی از نیازهای مبرم است. نیروهای



دل بوسکه:

ما شانسی نخست قهرمانی نیستیم



سر مربی تیم ملی فوتبال اسپانیا در آستانه آغاز جام جهانی اعلام کرد تیمش همانند طالبان نیست که بخواهد انتحاری بازی کند.

تیم ملی فوتبال اسپانیا در گروه جام جهانی با تیم های هلند، استرالیا و شیلی قرار گرفته است.

ویسته دل بوسکه که یک بار در سال ۲۰۱۰ لاروخا را به قهرمانی در جهان رسانده در این دوره تیمش را شانسی نخست قهرمانی نمی داند اما تاکید کرده که ماتادورها توانایی این را دارند که مردم اسپانیا را از نمایش خودشان راضی کنند.

دل بوسکه در این مورد گفت: فقط در زمین فوتبال است که همه چیز خودش را نشان می دهد. باور دارم که ما تلاش زیادی کردیم تا همه چیز را در سر جای خودش قرار دهیم اما فوتبال ورزشی است که وقتی یک مسابقه به پایان می رسد نشان می دهد که آیا همه چیز خوب و درست انجام شده یا

نه. هر اتفاقی که در طول چهار سال گذشته برای ما رخ داده به خاطر آن بوده که ما در جام جهانی پیش به قهرمانی رسیدیم.

دل بوسکه افزود: اینکه بخواهیم بگویم ما شانسی نخست قهرمانی هستیم راه فرار خوبی است اما بر اساس تجربه می گویم که فوتبال این را به من می گوید. یک جام جهانی بزرگتر از آن است که بخواهیم پیش از آغازش چنین برجسب هایی به آن بزنیم. روشن است که برزیل تیمی بزرگ است و در خانه بازی می کند. البته مشخص است که فشار زیادی را هم به همین خاطر تجربه می کنند. فشاری که بیشتر از زمان برگزاری جام کنفدراسیون ها در این کشور وجود داشت.

سر مربی پیشین رئال مادرید در ادامه اظهار داشت: فوتبال می تواند از راه های مختلفی خیلی خوب انجام شود. ما از یک فرمول جادویی استفاده نمی کنیم. ما ایده هایی بر اساس بازیکنانی که در اختیار داریم ارائه می کنیم. این بدان معنا نیست که سایر تیم ها نمی توانند نتیجه های خوبی بگیرند. ما هم مانند طالبان انتحاری عمل نمی کنیم زیرا در اختیار گرفتن توپ به مدت زیاد بدون اینکه برنامه ای پشت آن باشد معنایی ندارد.

دل بوسکه در پایان گفت: به همین دلیل است که ما تیمی هستیم که همواره تلاش می کنیم تا بچنگیم و نتیجه را عوض کنیم. منسجم بازی می کنیم و توانایی این را داریم که به حریفان فشار بیاوریم.

۳ روز تا جام جهانی

جری، جانی و ویلسون سه برادری بودند که با حضور در جام جهانی ۲۰۱۰ تاریخ ساز شدند.

جام جهانی برزیل ۳ روز دیگر آغاز می شود و ۳۲ تیم حاضر در این رقابت ها در هشت گروه چهار تیمی برابر هم به میدان می روند. سایت فیفا تا آغاز برگزاری جام جهانی برزیل اقدام به روز شمار این رقابت ها کرده و هر روز به مناسبت تعداد روزهای باقی مانده یک واقعه مربوط به جام جهانی را مورد بررسی قرار داده است.

سه برادر هندوراسی در جام جهانی ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی حاضر بودند تا برای اولین بار در تاریخ سه برادر در یک تیم در جام جهانی به میدان بروند. هندوراس در جام جهانی ۲۰۱۴ نیز حضور دارد اما این بار جری نتوانست در تیم ملی هندوراس حضور داشته باشد.

در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل آندره و جوردن آیو در تیم ملی غنا حضور دارند و حبیب و یحیی کولوتوره نیز در تیم ملی ساحل عاج هستند. همچنین ژروم و کوین پرینس بوآتنگ دیگر برادران حاضر در جام جهانی برزیل خواهند بود. با این تفاوت که ژروم برای آلمان و کوین پرینس برای تیم ملی غنا به میدان خواهد رفت.

مارسلو:

اسپانیا احترام خاصی برای برزیل قایل است



مدافع چپ باشگاه رئال مادرید و تیم ملی برزیل معتقد است که اسپانیا، مدافع عنوان قهرمانی جام جهانی احترام زیادی را برای برزیل قائل است.

مارسلو معتقد است پیروزی مقتدرانه کشورش در فینال جام کنفدراسیون ها در برابر اسپانیا باعث شده است که آن ها احترام خاصی برای برزیل قائل باشند.

مارسلو در همین رابطه گفت: اسپانیایی ها همیشه به بازیکنان برزیل احترام خاصی گذاشته اند. بعد از فینال جام کنفدراسیون ها کاسیاس به من گفت که چرا او و تیمش برای ما احترام خاصی قائل هستند.

مارسلو در ادامه تاکید کرد: ما میزبان رقابت ها هستیم و مطمئناً فشار زیادی روی ما قرار دارد. اما این مسئله انگیزه ما را نیز افزایش می دهد. مسوولیت بزرگی روی دوش ما قرار دارد و ما باید پاسخ تشویق های هوادارانمان را در زمین بدهیم.

بنا بر گزارش آی اسپورت، مارسلو همچنین لب به تحسین از لوئیس فیلیپه اسکولاری سر مربی خود گشود: او انسان صادقی است. او مربی است که همیشه برنده بوده، نه تنها او، کارلوس آلبرتو نیز این چنین است. آن ها در کنار هم زوج فوق العاده ای را تشکیل داده اند.

برازیل در دیدار افتتاحیه ی رقابت ها بامداد ۲۳ خرداد به مصاف کرواسی خواهد رفت.

مدیر مسؤل: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
 nazari.paryani@yahoo.com
 ویراستار: روح الله یوسف زاده
 مدیر خبر: مجتبی امیری
 گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
 گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
 برگ آرابی: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤل توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤلیت دیگر نوشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1316 Tuesday 20 June 2014

DAILY

Mandegar

متفکر دوم در دفاع از متفکر سوم



احمد عمران

خبرنگاری از اشرف غنی احمدزی نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری افغانستان، در مورد اظهارات تازه جنرال دوستم معاون اول او در بغلان پرسید. جنرال دوستم در شهر بغلان در یک همایش انتخاباتی با حضور شماری از ترک‌تباران کشور، با تهدید به آن‌ها گفت که در انتخابات به اشرف غنی احمدزی رای دهند. او توضیح داد اگر آن‌ها به نامزد دیگری رای دهند، خاین هستند. پاسخ آقای احمدزی برایم جالب بود. او با آرامش کامل به روزنامه‌نگار گفت که در مورد اظهارات جنرال دوستم، غلط‌فهمی شده و او کسی را تهدید به رای دادن به تیم تحول و تداوم نکرده است. آقای احمدزی در ادامه با لبخندی گفت که در دموکراسی نمی‌توان دیگران را مجبور به رای دادن به یک نامزد خاص کرد.

نمی‌دانم اگر چیزی به نام «غلط‌فهمی» یا «سوء برداشت» از سخنان دیگران در حوزه زبان و سیاست نمی‌بود، آن وقت سیاست‌مداران اشتباهات خود را چه‌گونه توجیه می‌کردند! البته می‌دانم که زبان کج‌تابی‌های خود را دارد و فهم سخنان دیگران به معنای آن‌چه که آن‌ها اراده می‌کنند، نیست. ولی این موضوع به حوزه اندیشه و تفکر مربوط می‌شود و کاربرد روزمره زبان از این عرصه به دور است. زبان در کاربرد روزمره خود یا دلالت مصداقی دارد و یا دلالت مفهومی. دلالت مصداقی به رابطه میان واحدهای زبان نظیر واژه و جمله از یک سو و مصداق‌های جهان خارج از زبان اشاره دارد؛ اما دلالت مفهومی به رابطه معنایی واحدهای زبان نسبت به یکدیگر در درون نظام زبان اشاره دارد.

فرهنگ‌های لغت معمولاً برای توضیح واژه‌ها از دلالت درون‌زبانی بهره می‌گیرند و سعی بر آن دارند تا معنی واژه‌ها را به کمک معنی واژه‌های دیگر توضیح دهند. زبان چه در وضعیت دلالت مصداقی و چه در وضعیت دلالت مفهومی، وسیله افهام و تفهیم شناخته می‌شود و این کارکرد زمانی به بهترین وجه تحقق می‌یابد که گویشوران زبان بکوشند از دایره قراردادهای فراتر نروند.

اما زبان در حوزه اندیشه‌ورزی، گاه با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود که همان عدم درک معنا می‌تواند باشد. شاید نویسنده و فیلسوفی نوعی از کاربرد زبان را اختیار کند که برای عام‌گوش‌وران قابل درک نباشد، ولی این به معنای بی‌معنایی زبان نباید تلقی شود؛ بل حوزه معنایی دگرگون شده و باید برای ایجاد رابطه به دنبال دلالت‌های تازه رفت. برخی فیلسوفان به دشوارنویسی شهره‌اند و فهم دیدگاه‌های‌شان نیاز به تأمل و تعمق بیشتر دارد. به یاد دارم زمانی که فلسفه می‌خواندم، گاه چنان با دشواری‌های زبانی هگل و هایدگر دست به گریبان می‌شدم که رهایی از آن، روزها و شب‌ها وقت را در بر می‌گرفت. از همین روست که می‌بینیم بر نظرات و اندیشه‌های این بزرگواران، شرح‌هایی بیشتر از نوشته‌های‌شان نوشته شده است.

اما سخن سیاست‌مداران به دلیل مخاطبانی که برای خود تعریف می‌کنند، همواره باید نزدیک‌ترین رابطه‌های زبانی را جست‌وجو کند. کمتر سیاست‌مداری دیده شده که در یک جمع سخنانی بگوید که بعداً سوء‌تعبیرهای متفاوت را دامن زند. اما این بدان معنا هم نیست که سیاست‌مداران حرف‌های دوپهلوی و گاه چندپهلوی نمی‌زنند. در سیاست نیز می‌توان از کارکردهای مختلف زبان با توجه به اهداف خود استفاده کرد.

رولان بارت اندیشمند معروف، در مورد زبان گفته‌می‌جالب دارد. او می‌گوید «زبان نه مترجع است، نه مترقی، بل صاف و ساده فاشیست است؛ زیرا فاشیسم جلو سخن گفتن ما را نمی‌گیرد، بلکه ما را مجبور به سخن گفتن می‌کند». حالا مشخص نیست که از آن جمله‌می‌که بر زبان جنرال دوستم جاری شد، چه‌گونه رهبر تیم تحول و تداوم، برداشتی دیگرگونه ارایه می‌دهد. جمله جنرال دوستم چنان رُک و راست است که در آن هیچ‌گونه تشبیه، استعاره و مجاز را نمی‌توان یافت. آقای دوستم خطاب به ازبیک‌ها و ترکمن‌ها در بغلان می‌گوید: «آی ازبیک‌ها و ترکمن‌ها! حالا که من معاون اول اشرف غنی احمدزی هستم، اگر شما به کس دیگری رای دهید...»

ادامه صفحه ۶

ترهگری ته معقول خواب، په تاکنو کې گډون دی

لري هم له لاسه یې ورکړي دی. لکه احمدضیا مسعود، چې د زلمي رسول لومړی مرستیال و، خو له خپل پلرني ولایت پنجشېر نه یې ايله ۱۲۰۰ رايې خپلې کړې وې. دغه راز د ولسمشرۍ نوماند داوود سلطانونی او یا هم قیوم کرزی. چې هېڅ یوه یې هم ونشو کولای په لومړي پړاو کې له دېرش زرو ډېرې رايې خپلې کړي.

د دې ترڅنگ هر چېرې یا هر ولایت ته چې عبدالله یا اشرف غني تللی دي، په غونډو کې یې ښکاره توپیر لیدل کېږي. مثلاً په ډایکنډي، نیمروز، فراه، غزني، کاپیسا او یا نورو ولایتونو ته چې د اصلاحاتو او همپالنې د تیم مشر تللی، لس‌گونه زره کسانو یې هرکلی کړی دی. خو اشرف غني چې هر چېرې تللی له زرو ډېر کسان ورته نه دي راټول شوي. په بلخ، پروان او یا نورو ولایتونو کې یې تر ډېره دوستم او جمعه خان همدرد په گواښونو خلک غونډو ته رابلل.

خو له پيله د اصلاحاتو او همپالنې تیم تر برید لاندې نیول شوی او په تحول او تداوم تر اوسه ټک هم چا نه دی کړی. په اصلاحاتو او همپالنې تیم د بریدونو په لړ کې کابو شل تنه وژل شوي او له شلو ډېر تپیان دي. دې مسالې په خپله خلکو ته پوښتنې را پیدا کړي دي.

په اصلاحاتو او همپالنې تیم برید د خلکو پر

په افغانستان کې په لومړي ځل په سوله ییز او دېموکراتیک ډول سیاسي واک لېږدول کېږي. افغانستان په داسې مهال خپله دا لومړنۍ تجربه ترسره کوي، چې په تېرو وختونو کې واک یا له شاهي کورنۍ سره و او یا هم د واکمنو په مرگ تمام شوی دی. دمگړۍ هېواد که څه هم چې له ډېرو ستونزو سره مخ دی؛ خو افغان ملت د تاکنو له لارې د سیاسي واک د لېږد اراده کړې ده. هغه اراده چې نه راگرځېدونکې ده.

خو د سیاسي واک دا لېږد له ډېرو کرکچونو سره مخ دی. له یوې خوا د نظام ناوړه ارادې، په تاکنو کې لاسوهنې او له بلې خوا نا امنی او بې ثباتي هغه ستونزې دي، چې دا بهیر یې له خنډونو سره مخ کړی دی.

له پیل راهیسې یانې هغه مهال چې د ولسمشرۍ لپاره نوم لیکنه او بیا ټاکنیز رقابتونه پیل شول، که له یوې خوا یو تیم تر نورو ډېر پیاوړی او له ولسي ملاتړه برخمن و؛ نو له بلې په همدې ولسي تیم بریدونو هم زور اخیستی و.

د ډاکټر عبدالله عبدالله په مشرۍ د اصلاحاتو او همپالنې تیم په لومړي پړاو تاکنو کې تر نورو ډېرې رايې خپلې کړې؛ خو په دویم پړاو تاکنو کې یې د ټاکنیز تیم لمن نوره هم پراخه شوه. برعکس یې بیا له سیال تیم تحول او تداوم سره د یو ځای کېدو او ترې د ملاتړ لړۍ خورا کمزورې وه.

د لومړي پړاو پیاوړي ټاکنیز ټیمونه چې له دوو مخکښو ټیمونو وروسته یې تر هر چا ډېرې رايې خپلې کړې وې اوس د اصلاحاتو او همپالنې د تیم غړي دي. ښاغلی زلمي رسول، استاد عبدالرب رسول سیاف او گل اغا شېرزی هغه نوماندان

ول، چې په دویم پړاو کې له ډاکټر عبدالله سره ولاړ دي.

د دې ترڅنگ د ولسي جرگې د مشر عبدالروف ابراهیمي، د مشرانو جرگې د مشر فضل هادي مسلمیار، د ولسمشر ورور محمود کرزي، د ملي انسجام گوند او مشر یې صادق مدبر، د قیوم کرزي لومړی مرستیال وحیدالله شېرانی، محمداکبری، جمیل کرزی، د شنه بهیر مشر امرالله صالح او په لس‌گونه نور سیاسي گوندونه، جهادي مشران، سیاستوال، مدني ټولنې او ولسونه د دویم پړاو تاکنو لپاره له عبدالله عبدالله سره ولاړ دي.

خو له اشرف غني احمدزي سره بیا داسي کسان ولاړ دي چې هېڅ ولسي پایه او بنسټ نه لري یا که یې



وراندې د درېدو مانا لري، یا لکه په افغان ملت چې برید کېږي. خلک نور دا ډول بریدونو ته اجازه نه ورکوي.

خلک باید د دې بریدونو ځواب یوازې او یوازې په تاکنو کې برخه اخیستو او اصلاحاتو او همپالنې تیم ته په رایه ورکولو ورکړي. دا یوازینی معقوله لار ده، چې د افغانستان دښمنان پرې ماتېدای شي. ځکه هغوی نه غاړې چې په افغانستان کې په سوله ییز ډول د سیاسي واک لېږد په بریالیتوب پای ته ورسېږي. دا په افغان ملت پورې اړه لري، چې د افغانستان په تاریخ کې دا لومړنۍ تجربه له ماتې سره مخ کوي او د تل لپاره د اسارت او غلامۍ ژوند کوي، که دا تجربه بریالی کوي او د نړۍ په شېر آزاد او خپلواک سوکاله ژوند غواړي.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی
 سه ماهه - ۱۰۰ دالر
 شش ماهه - ۲۰۰ دالر
 نه ماهه - ۳۰۰ دالر
 یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار
 نارسیده به منزل یا دفاتر
 سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
 شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
 نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
 یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰